



بازار فارکس

مقدمه

بحث ما در این چند جلسه اختصاص به فارکس دارد که مشخص شود که در این بازار تبادل ارزی، چه چیزهایی انجام می‌شود و احکام شرعی آن به چه صورت است؟ یعنی اولاً مشخص شود که حقیقت مسأله فارکس چیست و ثانیاً در مورد مشروعیت یا عدم مشروعیت آن بحث شود.

بخشی از این بحث که فی الجمله مربوط به بازار بورس می‌شود، این است که با توجه به اطلاعیه‌ای که سازمان بورس، در رابطه با فارکس اعلام کرده بود و بعضی از اعضای سازمان بورس نیز در این زمینه مصاحبه‌هایی انجام داده بودند، فلذا از این جهت بحث فارکس و بحث بورس با یکدیگر مقداری مرتبط می‌شوند فلذا در جلسات فقه بورس، به بررسی مشروعیت فارکس نیز می‌پردازیم.

تعریف فارکس

اگر بخواهیم به صورت اجمالی، فارکس را تعریف کنیم، باید گفت که فارکس به معنای بازار تبادل ارز می‌باشد، که این بازار بین‌المللی است و اختصاص به منطقه یا کشوری خاص ندارد، البته خصوصیات دیگری نیز دارد که فعلاً در صد بیان آن‌ها نیستیم.

قبل از این که به بررسی اقسام و صور معاملاتی که در بازار فارکس انجام می‌شود و مشروعیت این اقسام بپردازیم، چند نکته بایستی مطرح شود، تا مطالب به صورت کلی نباشد و به صورت دقیق‌تر وارد بحث بشویم و در ضمن این نکات به برخی از جنبه‌های بحث که خیلی فقهی نیست و یا از قوت فقهی برخوردار نیستند، نیز می‌پردازیم:

نکته اول: سابقه تاریخی تبادل ارز

بحث اول این است که واضح است که تبادل ارز سابقه تاریخی دارد و قرن‌ها متمادی است که تبادل ارزی محقق می‌شده است، حال چه به نوین و امروزی و چه به روش سنتی و قدیمی مثل معامله درهم با دینار یا بالعکس و یا معامله دینار کوفی با دینار شامی و امثال این موارد که در روایات ما در کتاب‌الصرف، روات سؤالاتی را در این زمینه (تبادل ارز) از ائمه علیهم السلام پرسیده‌اند، البته در آن زمان، «ارز» درهم و دینار بوده است فلذا از درهم و دینار سؤال می‌شده است و معصومین فرموده‌اند که در چه مواردی این تبادلات مشروع است و در چه شرایطی این تبادلات غیرمشروع است، و احکام این نوع تبادلات در کتب فقهی نیز آمده است.

روشی که امروزه برای تبادل ارز معروف است و مورد بحث ما می‌باشد، بازار فارکس است، که باید بحث کنیم که این نوع مبادلات جدید نیز همانند تبادلات ارزی سنتی مشروع است مطلقاً یا اینکه مطلقاً مشروع نیست و یا این که باید بین صور معاملات قائل به تفصیل شد؟



نکته دوم: عدم اختصاص بحث به کشور یا منطقه خاص

بحث در مشروعیت و عدم مشروعیت فارکس اختصاص به منطقه یا کشور خاصی ندارد، زیرا که بحث فقهی است و در صدد کشف نظر شارع مقدس در مورد این بازار فی نفسه، می‌باشیم (و به اصطلاح در صدد بیان حکم اولی این موضوع می‌باشیم و در صدد احکامی که به سبب عناوین دیگر با این بازار حمل می‌شوند، نیستیم) ولذا نمی‌خواهیم بحث کنیم که در ایران این معامله جایز است یا نه؟ در عراق و آمریکا چطور؟ بلکه بحث خود را محدود به شهر و منطقه خاص نمی‌کنیم زیرا این که در منطقه‌ای خاص مشروع باشد یا نباشد، تابع مصالح و مفاسد ثانویه و عناوین ثانویه‌ای می‌باشد که عارض بر موضوع شده است.

فلذا در این بحث به دنبال این هستیم که آیا فارکس از دیدگاه اسلام، فی نفسه و فی حد ذاته و بدون در نظر گرفتن عناوین ثانویه، مشروعیت دارد یا خیر؟

ولذا در بحث ما تفاوتی ندارد که شخص معامله‌گر اهل کدام کشور است و قصد معامله با کدام کشور را دارد و همچنین تفاوتی ندارد که دو کشور با یکدیگر معامله می‌کنند و یا دو شخص معامله می‌کنند، بلکه صرفاً مشروعیت خود معاملات بررسی می‌شود.

بنابراین کسی نگوید که عدم مشروعیت بازار فارکس واضح است زیرا که بانک مرکزی و یا سازمان بورس، اعلام کرده است که این معاملات غیرقانونی و ممنوع است، زیرا که ما در این بحث نمی‌خواهیم صرفاً حکم مکلفین ایرانی را مشخص کنیم بلکه حکم کلی این معاملات را بیان خواهیم کرد، زیرا که روش فتی در مباحث فقهی این است که ابتدا حکم اولی موضوع مشخص شود، البته در ادامه به این جهت بحث خواهیم پرداخت که اولاً آیا تمامی معاملات در بازار فارکس ممنوع شده است و یا این که نمایندگی و مؤسسات کارگزاری را ممنوع کرده است و ثانیاً انجام معامله در بازار فارکس با وجود منع قانونی، چه حکمی دارد، ولی بحث اصلی ما نیست.

علاوه بر این که باید مقصود از بحث ممنوعیت قانونی نیز مشخص شود، یعنی باید بحث شود که اگر دولت و یا حکومتی ورود و معامله در بازار فارکس را ممنوع اعلام کرد، این حکم، حکمی تکلیفی محسوب می‌شود و یا این که حکم وضعی است و به عبارت دیگر، آیا بعد از منع قانونی، معامله در بازار فارکس باطل است و شخص مالک، ارزی که خریداری کرده است، نمی‌شود و خریدار نیز مالک ارزی که از طرف مقابل گرفته است، نمی‌شود و یا این که معامله فی نفسه صحیح است - البته بر فرض مشروعیت اصل معامله به حکم اولی - و نهایتاً شخص مرتکب خلاف قانون شده است و جرمی انجام داده است یعنی باید از قانون اطاعت می‌کرده است ولی از قوانین سرپیچی کرده است و شبیه شخصی است که گناهی مرتکب شده است ولی اصل معامله اشکال ندارد ولی مثلاً از باب این که اطاعت ولّی امر واجب است و این حکم صادر از ولّی امر است (ولو با واسطه)، این شخص دچار عصیان شده است، یعنی باید بحث کنیم که اگر ولّی امر به بانک مرکزی و یا سازمان بورس، چنین اختیاری داده است که حکم وضعی جعل کنند و حکم به بطلان معامله‌ای کنند و آن‌ها نیز از این اختیار استفاده کرده‌اند و حکم به بطلان معاملات بازار فارکس کرده‌اند، در این صورت معاملات به حکم ثانوی، باطل خواهند شد، البته این مطالب را همگی به صورت فرضی بیان می‌کنیم زیرا که از اطلاعیه‌ها و آنچه که توسط سازمان بورس و... اعلام شده است، حکم وضعی بطلان فهمیده نمی‌شود.

فلذا این بحث مبتنی بر این است که در بحث ولّی فقیه بپذیریم که سعه ولایت او به حدّی می‌باشد که احکام وضعی



جعل نماید ولی در غیر این صورت یعنی در صورتی که گستره ولایت ولیّ فقیه را محدود به امر و نهی بدانیم، چنین مطالب مطرح نخواهد شد.

یعنی باید بحث شود که آیا ولیّ فقیه می‌تواند - مثلاً- اجازه دادن را ممنوع کند و در این صورت، عقد اجاره باطل و مستأجر مالک منافع نخواهد شد؟!

این مطلب در بحث ولایت فقیه بسیار مهم است و ظاهراً اکثر فقها چنین سعه‌ای را نپذیرفته‌اند و تنها معدود افرادی قائل به چنین سعه‌ای شده‌اند که این افراد ادعا کرده‌اند که «إِنَّ قَدْ جَعَلْتُمْ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا» اطلاق دارد و شارع همان‌طور که دستورات و اوامر و نواهی تکلیفی را در اختیار فقیه قرار داده است، دستورات و احکام وضعی را نیز در اختیار فقیه قرار داده است.

فلذا این بحث اولاً مبنایی است و ثانیاً چنین اطلاعیه‌ای که حکم به بطلان معامله کرده باشد، صادر نشده است.

البته اطلاعیه‌ای از سازمان بورس (سال ۱۳۹۰) و بانک مرکزی (سال ۱۳۸۳) صادر شده است که از این جهت، دو مطلب جای بررسی دارد:

✓ **مطلب اول:** آیا سازمان بورس و بانک مرکزی در ایران، که بیانیه صادر کرده است که چنین معاملاتی ممنوع است، اختیار چنین مصوبه‌ای را داشته است یا خیر؟ و به عبارت دیگر ممنوعیت معامله در بازار فارکس، از امور تقنینی است که تنها در اختیار مجلس شورای اسلامی است و یا این‌که با دستورالعمل و بخش‌نامه نیز می‌توان چنین ممنوعیتی را اعلان و اعمال کرد؟ زیرا که سازمان بورس و بانک مرکزی، قانون‌گذار نیستند و حداکثر این است که حق صدور بخشنامه و یا دستورالعمل در حیطه کاری خودشان را دارند و لذا اگر ممنوع کردن این معاملات، قانون‌گذاری باشد، مسلماً چنین اختیار و جایگاهی ندارند و باید توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شود و سپس با تأیید شورای نگهبان و یا مجمع تشخیص مصلحت، به قانون تبدیل شود، تا بعد از آن قابل اجرا باشد ولی اگر این امر تقنینی باشد و توسط خود هیئت دولت و یا سازمان بورس و... به عنوان قانون مطرح شود، ارزشی ندارد، فلذا از این جهت باید بحث شود و حقوق‌دانان باید مشخص کنند که این امر، از امور تقنینی است و یا این‌که شبیه دستورالعمل و بخشنامه است.

✓ **مطلب دوم:** بر فرض که این امر، از امور تقنینی نباشد و لذا این بیانیه از این جهت، معتبر باشد، باید بررسی شود که: آیا بانک مرکزی حق صدور بخشنامه و یا دستورالعمل در امور مربوط به بازار را هم دارد یا خیر؟ یعنی هر چند معاملات بازار فارکس، مربوط به ارز و پول می‌باشد ولی باید بحث کرد، که این امور نیز از امور بانکی محسوب می‌شود؟ حدود اختیارات بانک مرکزی در مسائل مربوط به امور بانکی و ملحقات آن است ولی امور مرتبط به بازار و نظارت بر بازار در اختیار بانک مرکزی نمی‌باشد. (البته این مطالب را به صورت قطعی بیان نمی‌کنیم بلکه در این‌جا صرفاً در مقام طرح بحث و بیان احتمالات می‌باشیم)، فلذا باید حقوق‌دانان در مورد اختیارات و وظایف بانک مرکزی بحث کنند و اگر به این نتیجه رسیدند که اختیاراتی



که قانون گذار به بانک مرکزی داده است، شامل این موارد نیز می‌شود، این بیانیه اعتبار قانونی پیدا می‌کند ولی در غیر این صورت اعتبار قانونی پیدا نمی‌کند.

و همین نکته: در مورد سازمان بورس نیز که چنین بیانیه صادر کرده است، باید مورد بررسی قرار بگیرید، که اختیارات سازمان بورس شامل این موارد نیز می‌شود و آیا در فرابورس هم حق اظهار و اعمال نظر دارد یا خیر؟ یعنی آیا می‌تواند اعلام کند که کسی حق ندارد در بازار فارکس وارد شود؟ زیرا که اطلاعیه‌ای که سازمان بورس داده است، مطلق است و منحصر به کارگزاری‌های سازمان بورس نمی‌باشد، زیرا که گفته است که هیچ کارگزاری‌ای حق ندارد در بازار فارکس فعالیت کند و این مطلب شامل کارگزاری‌های خارجی هم می‌شود که هیچ ربطی به بازار بورس ایران ندارند و در مورد بازار فارکس می‌باشند و آن‌ها نیز حق ندارند در ایران در زمینه فارکس فعالیت کنند و کارگزاری‌های ایرانی که با آن‌ها همکاری می‌کنند، شریک جرم محسوب می‌شوند؛ بنابراین اگر سازمان بورس اعلام کرده بود که کارگزاری‌های مربوط به بورس، حق دخالت در بازار فارکس را ندارد، این مطلب تحت اختیارات سازمان بورس قرار داشت، زیرا که اعلام کرده است که سازمان بورس، تنها کارگزاری‌هایی که مختصاً در بازار بورس فعالیت می‌کنند و فعالیتی در سایر بازارها (و یا در بازار فارکس) ندارند، به رسمیت می‌شناسد، ولی اطلاعیه سازمان بورس چنین نیست و اطلاعیه سازمان بورس و بانک مرکزی اعم است.

باید دقت کنیم که: نباید به گونه‌ای باشیم که اگر امری به ضرر مملکت می‌باشد و یا موجب ضرر به اقتصاد کشور می‌شود، با راه‌های غیرقانونی از آن جلوگیری کنیم با این که می‌توانستیم از طرق قانونی، از آن امر جلوگیری کنیم، یعنی جلوگیری از امور خلاف، باید از راه قانونی خودش باشد، یعنی اگر از امور تقنینی است باید از طریق مجلس شورای اسلامی پیگیری شود و اگر هم از امور بخشنامه‌ای است باید به همان نهادی که چنین اختیاری دارد، واگذار شود، مثل این که گفته شود که وزارت اقتصاد یا صمت و یا هیئت دولت چنین اختیاری دارد فلذا آن‌ها نسبت به امر، تصمیم بگیرند و آن نهاد بخشنامه صادر کنند.

بنابراین خلاصه این نکته این است که حتی اگر تمام این امور به صورت قانونی و از مجرای خودش پیش رفته باشد، این جهت سبب این می‌شود که گفته شود که بازار فارکس در ایران ممنوع شده است ولی ما به دنبال کشف حکم شرعی اولی این معاملات هستیم نه حکم شرعی معاملات فارکس در ایران، فلذا اگر مشروعیت اصل این معاملات اثبات شود، مکلفینی که در سایر کشورها هستند ولو ایرانی هم باشند، می‌توانند وارد این معاملات بشوند.

نکته سوم: حرمت به خاطر ضرر زدن به کشور

عده‌ای کار به قانون و یا صدور بخشنامه ندارند ولی این‌گونه استدلال می‌کنند، (که به این مطلب در اطلاعیه بانک مرکزی نیز اشاره شده است):

این عمل مفسده دارد و مفسده آن خروج ارز از کشور است که در اثر خروج ارز از کشور، رشد اقتصادی کاهش پیدا می‌کند، تورم افزایش پیدا می‌کند، ارزش پول ملی کم می‌شود و خلاصه این که آسیب‌های فراوانی به کشور در امور اقتصادی وارد می‌شود و سبب لطمه خوردن به کشور می‌شود، فلذا به خاطر اینکه این معاملات سبب لطمه خوردن به کشور می‌شود



پس ورود به این بازار نیز حرام است و جایز نیست.

در کلمات برخی از آقایان به این جهت اشاره شده است.

در اینجا دو بحث باید انجام شود، یکی بحث کبروی و دیگری بحث صغروی:

بحث صغروی:

به صورت کارشناسی باید اقتصاددانان این مورد را بررسی کنند که آیا این مسائلی که توسط برخی از اقتصاددانان ادعا شده است (که مثلاً ۸۰ درصد موجب خروج ارز از کشور می‌شود و تنها ۲۰ درصد ارز به کشور برمی‌گردد) صحت دارد و یا این که وقتی به صورت دقیق و جامع به این مسأله توجه می‌شود، ورود به این بازار سبب خروج ارز از کشور و ضربه خوردن اقتصاد ملی نمی‌شود؟ و آیا خروج ارز از کشور توسط بازار فارکس، به حدی هست که سبب ضربه به اقتصاد کشور شود و یا خیر؟ یعنی نباید کارهای دیگری که موجب خروج ارز از کشور شده است را رها کنیم و تنها این عامل را مضرّ به حال اقتصاد کشور بدانیم بلکه به فرض اصلاح سایر موارد، باید ظرفیت این بازار برای خروج ارز از کشور مورد بررسی کارشناسی قرار بگیرد و سپس مقدار مالی آن درصد ارز خارج شده از کشور نیز مورد بررسی قرار بگیرد که مثلاً آن ۸۰ درصد ارز، چند میلیارد دلار می‌شود و چه مقدار به اقتصاد کشور لطمه وارد می‌کند و چه بسا بعد از کارشناسی به این نتیجه برسند که این بازار با آموزش‌های لازم آن، یک فرصت خوب برای جذب ارز به داخل کشور می‌باشد و چه بسا در برخی موارد اصلاً بحث خروج و ورود ارز به کشور نیز مطرح نباشد و صرفاً دو ارز متفاوت را با یکدیگر در این بازار مبادله می‌کنند، فلذا باید تمام این جوانب بررسی شود تا بتوان از جهت صغروی این استدلال را ادعا کرد.

بحث کبروی:

بر فرض این که بازار فارکس موجب خروج ارز از کشور و لطمه خوردن اقتصادی شود، حال باید بحث شود که: آیا این ضرر به حدی هست که سبب حرمت ورود به این بازار شود و یا نه؟ یعنی باید از جهت کبروی بحث شود که چه مقدار از ضرر زدن به اقتصاد کشور، موجب مفسده ملزمه‌ای می‌شود که بتوان حکم به حرمت آن فعل کرد و سپس بحث شود که آیا ضرری که ورود به بازار فارکس دارد، به آن حدّ از مفسده می‌رسد یا خیر؟ زیرا که صرف این که فی الجمله در این معامله برای کشور ضرر وجود دارد، موجب حرمت و بطلان معامله نمی‌شود.

علاوه بر این که حتی اگر اثبات شود که بازار فارکس موجب لطمه و تهدید اقتصاد کشور است و به گونه‌ای باشد که ورود به آن و یا قانونی شدن آن، خیانت به کشور محسوب شود، باید بحث کنیم که تشخیص این مسأله بر عهده چه کسی است؟ و آیا هر کسی که چنین مطلبی را تشخیص داد، می‌تواند جلوی آن را بگیرد؟ مثلاً شخصی که در بازار بورس وارد شده است، ادعا می‌کند که این معاملات ضرر به کشور نمی‌زند ولی شخص دیگری ادعا می‌کند که این معاملات به ضرر کشور است، مرجع در تشخیص چه کسی می‌باشد؟ آیا خود معامله‌گر مرجع در تشخیص است؟ که در این صورت خود او، ادعا می‌کند که به نظر من این معاملات ضرری برای کشور ندارد! و یا سازمان بورس مرجع است؟ که در این صورت گفته می‌شود که این سازمان که مرجع در تشخیص مصلحت نظام نیست! ولذا اگر هم این بازار سبب لطمه به کشور می‌شود و از این جهت عنوان ثانوی پیدا کرده است، باید امر آن واگذار به مجمع تشخیص مصلحت نظام شود و آن مجمع حکم آن را



مشخص کند و آن‌ها باید این بازار را ممنوع کنند و این امر تحت اختیار سازمان بورس و بانک مرکزی نمی‌باشد، ولذا فی نفسه شخصی که این کار را موجب ضرر به کشور نمی‌داند، برای او حرام نمی‌باشد بلکه اگر مجمع تشخیص مصلحت نظام اعلام کرده باشد که بازار فارکس ممنوع است و قانون نیز شده باشد، در این صورت به حکم ثانوی برای همه افراد (حتی کسانی که قائل به عدم ضرر این بازار برای کشور می‌باشند) ورود به این بازار حرام خواهد شد.

البته در این صورت نیز باید توجه داشت با فرض لطمه زدن به کشور و ممنوعیت از طرف قانون و مرجع قانونی، اگر شخصی در این بازار معامله‌ای انجام بدهد، کار او که ضربه زدن به کشور است، حرام است ولی از آن جایی که نهی متعلق به خود بیع بما هو بیع نشده است فلذا نمی‌توان حکم به بطلان معامله کرد، علاوه بر این که حتی اگر نهی از خود معامله شده است، در جای خودش اثبات شده است که نهی از معاملات موجب فساد معامله نمی‌باشد، بنابراین با توجه به همه این موارد و با پذیرش همه پیش‌فرض‌های مسأله، همچنان نمی‌توان حکم به بطلان معاملات انجام شده در ایران در بازار فارکس، نمود. البته باید توجه داشت که نهایت چیزی که این استدلال اثبات می‌کند، حکم معاملات فارکس در ایران به حکم ثانوی می‌باشد یعنی در شرایط کنونی ایران که از نظر اقتصادی مشکلات وجود دارد، معاملات فارکس در ایران ممنوع و حرام می‌باشد ولی این استدلال نسبت به حکم اولی و فی نفسه فارکس ساکت است و نسبت به اصل انجام این معامله و یا انجام این معامله در سایر کشورها، مطلبی را بیان نمی‌کند.

نکته چهارم: حرمت به خاطر صوری بودن معاملات در بازار فارکس

برخی چنین ادعا کرده‌اند که: معاملاتی که در بازار فارکس انجام می‌شود، صوری است ولذا معاملات در این بازار همگی باطل و غیرمشموع است.

انسان از چنین ادعاهای کلی و بدون پشتوانه علمی تعجب می‌کند، یعنی اگر شرکتی نیاز به دلار یا یورو دارد ولذا از طریق بازار فارکس اقدام کند، این معامله او صوری است؟! با این که حقیقتاً قصد معامله و مبادله دارد و قصد او کسب سود و ضربه زدن به دیگران و... نیز نمی‌باشد فلذا ولو این ادعا را بپذیریم که بخشی از معاملات فارکس صوری هستند ولی دلیلی برای بطلان و غیرمشموع شدن معاملات واقعی که در این بازار انجام می‌شود، نداریم، مثل این که در بازار بورس و یا در قرارداد آتی نیز برخی افراد بازیگر هستند و معاملات صوری انجام می‌دهند ولی این مطلب دلیل نمی‌شود که گفته شود که تمام معاملات بازار بورس و یا تمام قراردادهای آتی غیرشرعی می‌باشند.

بنابراین بر اساس این دلیل نیز نمی‌توان به صورت کلی، حکم به بطلان و غیرشرعی بودن بازار فارکس کرد.

البته باید توجه داشت که بازار فارکس هم خود ارزها خرید و فروش می‌شود و هم شاخص ارزها خرید و فروش می‌شود فلذا همان‌طور که بازار بورس برخی معاملات صحیح و برخی دیگر اشکال شرعی دارند در بازار فارکس نیز همین‌گونه است و برخی معاملات ممکن است غیرمشموع باشند و برخی دیگر ممکن است صحیح باشند و به خاطر صوری بودن برخی از معاملات نمی‌توان حکم به بطلان و غیر شرعی بودن تمام معاملات بازار فارکس نمود.

و همچنین اگر اثبات شود که برخی از معاملات بازار فارکس نامشموع و ربوی است، نمی‌توان حکم کرد که ورود به این بازار حرام است و تمام معاملات این بازار غیر مشموع است.



نکته پنجم: حرمت به خاطر قمار بودن بازار فارکس

برخی ادعای عجیب دیگری مطرح کرده‌اند که بازار فارکس، نوعی قمار بازی است! با اینکه ما قماری در این بین نمی‌بینیم زیرا که یک طرف دلار می‌دهد و یورو می‌گیرد و این دو ارز را مبادله می‌کنند ولی یک طرف ضرر می‌کند، و این قمار نیست و حتی اگر مقصودشان این است که در فرضی که معامله صوری انجام می‌دهند، مصداق قمار می‌شود، جواب می‌دهیم که در آن موارد نیز قمار نشده است، بلکه «اَکَل مال به باطل» شده است، زیرا که معامله انجام نشده است و پول دریافت شده است.

البته ممکن است برخی از مفاسد قمار در برخی از معاملات فارکس نیز وجود داشته باشد، مثل این که بازیگران بازار فارکس، آنقدر به شخصی ضرر مالی بزنند تا او را بدبخت کنند، همان طور که در قمار نیز ممکن است شخص آنقدر ببازد تا بدبخت شود!

ولی حتی با فرض پذیرش این شباهت، باید توجه داشت که حرمت قمار جهات مختلفی دارد که یکی از جهات آن، بدبختی و ضرر زیاد یک طرف است ولی این مطلب به تنهایی برای حکم به حرمت کافی نخواهد بود و اگر به صرف این مشابهت حکم قمار به این جا نیز سرایت داده شود، قیاس است که در فقه شیعه باطل می‌باشد.

البته اگر تنقیح مناط شود و به صورت قطعی کشف کنیم که علت تامه حرمت قمار، همین مورد است و در بازار فارکس نیز همان مفسده (بدبختی و بیچاره شدن یک طرف) وجود دارد و از طرف دیگر مانعی نیز برای تأثیر این علت و مفسده نمی‌باشد، فلذا می‌توان حکم به حرمت بازار فارکس نمود، ولی دون اثباته خرط قتاد. (کنایه از این که چنین مطلبی اثبات نشدنی است) زیرا مستدل از چه راهی می‌تواند کشف کند که تنها علت برای حرمت قمار، همین بدبختی و فقیر شدن یک طرف است؟!

علاوه بر این که این مفسده نیز تنها در بخشی از معاملات فارکس وجود دارد فلذا با پذیرش همه مقدمات، همچنان نمی‌توان حکم کلی بر حرمت و بطلان تمام معاملات بازار فارکس کنیم.

بنابراین با توجه به همه این امور ما باید به صورت فقهاتی وارد اصل بحث بشویم و دقت کنیم که در بازار فارکس چه معاملاتی انجام می‌شود و مشروعیت هر یک را بررسی کنیم تا مشخص شود که کدام مشروع و کدام غیرمشروع است. ولی قبل از بررسی معاملات بازار فارکس باید در مورد مشروعیت افتتاح حساب بحث کنیم:

مسئله اول: مشروعیت افتتاح حساب در بازار فارکس

اولین اقدامی که معامله‌گر در بازار فارکس انجام می‌دهد، این است که با یکی از کارگزارها مرتبط می‌شود و در آن کارگزار حسابی را افتتاح می‌کند، البته هر چند دو نوع افتتاح حساب داریم که یکی تمرینی و یکی واقعی است لکن در ما نحن فیه که می‌خواهیم بحث فقهی کنیم به سراغ افتتاح حساب واقعی می‌رویم و مشروعیت آن را بررسی می‌کنیم. در حساب واقعی معاملاتی، دو نوع حساب می‌توان افتتاح کرد:

۱. حساب عادی: مثلاً بعد از افتتاح حساب، ۱۰۰ دلار به حساب واریز می‌کنیم و سپس با این ۱۰۰



دلار به تدریج معاملاتی انجام می‌دهد (شبهه افتتاح حساب در بانک و خرید به واسطه پول داخل حساب) که در اینجا نیز همانند بازار بورس، طرف حساب کارگزاری می‌باشد و شخص بعد از افتتاح حساب و واریز پول، ۱۰۰ دلار در حساب خود در نزد کارگزاری، دارد. که این صورت مشکل شرعی ندارد و شخص مالک ۱۰۰ دلاری می‌باشد که نزد کارگزار دارد.

۲. حساب مارجینی یا اهرمی: یعنی شخص حساب باز می‌کند و در آن یک دلار قرار می‌دهد ولی وقتی خواست معامله انجام دهد، کارگزار ۹۹ دلار به پول او اضافه می‌کند و او با ۱۰۰ دلار معامله انجام می‌دهد، و مثلاً اگر شخص ۱۰ دلار در حساب خودش قرار دهد، در هنگام معامله توسط کارگزار این پول، ۱۰۰ برابر می‌شود، که این نوع حساب خود دارای انواعی می‌باشد که مثلاً یک به صد، یا یک به دویست و... می‌باشد (یعنی آن مقدار زیاده در هنگام معامله توسط کارگزار، قرض داده می‌شود)، مشروعیت این نحوه از افتتاح حساب نیاز به بحث دارد:

از دو جهت قابل بررسی است: (که البته در متون نیز به صورت اختلافی و متفاوت نوشته شده است)

- گاهی کارگزار به شخص می‌گوید قرضی که به شما داده شده است، رایگان است و هیچ سود و ربی در مقابل قرض از شما نمی‌گیرم: در این صورت اشکالی ندارد و مشروع است زیرا که قرض غیرربوی است.

اگر در واقع همین فقط باشد، این حساب نیز همانند حساب‌های عادی است و اشکالی ندارد.

- کارگزار قرض می‌دهد به شرطی که درصدی نیز به خود او داده شود، که خود نیاز به بحث دارد که درصدی از سود حاصله باید به کارگزاری داده شود و یا این که درصدی باید به کارگزاری داده شود و ربطی به مقدار سود و زیان شخص معامله‌گر نیز ندارد، که در این صورت مسلماً قرض ربوی است و حرام است و در جای خود باید بحث شود که اولاً قرض ربوی که داده می‌شود، علاوه بر ارتکاب حرام، اصل قرض نیز باطل است و شخص مالک قرض نشده است و یا این که قرض صحیح است و صرفاً مقدار زیاده و ربای آن اشکال دارد و کارگزار مالک مقدار زیاده و سود نمی‌شود؟ و ثانیاً این که قرض ربوی با شرکت‌ها و اشخاص حقوقی اشکال دارد یا خیر؟ (که قبلاً در بحث فروش استقراضی بحث آن گذشت).

لکن بحثی که در اینجا داریم این است که در حال حاضر که شخص افتتاح حساب کرده است، کارگزار همین الان به او قرض نمی‌دهد تا گفته شود که همین الان با افتتاح حساب، قرض ربوی رخ می‌دهد فلذا حرام است بلکه در زمان افتتاح حساب قرض ربوی محقق نمی‌شود بلکه وقتی که شخص می‌خواهد معامله انجام دهد، حساب شارژ می‌شود و آن اهرم قابل استفاده است، پس در حین افتتاح حساب خلاف شرعی رخ نداده است، بلکه صرفاً مقدمه‌ای برای کار حرام انجام شده است زیرا که افتتاح حساب اهرمی، مقدمه‌ای برای قرض ربوی می‌باشد و در جای خودش گفته شده است که مقدمه حرام، حرام نیست بلکه خود ذی‌المقدمه حرام است، پس در این صورت نیز خود افتتاح حساب اهرمی اشکالی ندارد و وقتی که شخص قرض می‌گیرد (در هنگام معامله) مرتکب خلاف شرع می‌شود.

لکن اگر قرار بر این نباشد که درصد مشخصی به کارگزار داده شود بلکه قرض به این صورت است (ولو به صورت ارتكازی) که کارگزار قرض می‌دهد به شرطی که معامله‌ای انجام شود و درصدی به عنوان کارمزد، به او داده شود و به عبارت



دیگر وقتی که شخص حساب باز کرده است و با یک دلار خودش معامله می‌کند، کارمزد بسیار ناچیزی به کارگزاری داده می‌شود ولی وقتی که توسط کارگزاری حساب او شارژ می‌شود، معامله با ۱۰۰ دلار انجام می‌شود و کارگزاری نیز سود بیشتری دریافت می‌کند و اگر شخص این معامله را انجام نمی‌داد، کارگزاری به او قرض نمی‌داد. یعنی شرط ضمنی و ارتکازی در این قرض وجود دارد که شخص باید با این قرض، معامله انجام دهد و بالتبع به کارگزاری کارمزد بیشتری داده شود.

حال باید بحث شود که چنین فرآیند و شرطی نیز قرض ربوی محسوب می‌شود یا خیر؟

که اگر گفته شود که در قرض ربوی، زیاده حکمی که مع الواسطه موجب منفعت می‌شود، نیز ربا می‌باشد، این قرض نیز با این‌که در آن شرط نشده است که فلان درصد سود داده شود، بلکه صرفاً شرط شده است که شخص معامله کند تا در اثر معامله با مبلغ بیشتر، کارمزد بیشتری نصیب کارگزاری شود، این قرض نیز در نهایت منجر به جریان منفعت شده است فلذا قرض ربوی خواهد بود و حرام می‌شود.

تا اینجا فی الجمله بحث افتتاح حساب بیان شد و دوستانی که سؤال دارند، به صورت دقیق و بیان همه جوانب سؤالات خود را در گروه مطرح نمایند تا به تدریج در ضمن مباحث، پاسخ آنها داده شود.